

توفان

ارگان مرکزی حزب کار ایران

دوره ششم - سال شانزدهم
شماره ۱۸۶ شهریور ماه ۱۳۹۴ - سپتامبر ۲۰۱۵

مستخرجی از:

بینه حکلی حزب کار ایران (توفان)

سرامون توافنامه، سته ای درون (۲)

توافق دو طرفه یا تحمیل یکطرفه

توافقتنامه به خودی خود حتما لازم نیست حقیرانه و خفتبار باشد. در جهان ما هزاران توافقتنامه میان کشورهای و گروه ها ... وجود آمده و باز هم بوجود خواهد آمد که می تواند بسیار راه گشا و برای طرفین بهره مندی داشته باشد. توافقتنامه همانطور که از نامش پیداست چنانچه تحمیل نامه و اسارتنامه و سند تسلیم نباشد، باید بر اساس توافق داوطلبانه و رضایتمندانه دو طرف به نتیجه رسیده و مورد احترام طرفین باشد و مهم آن است که طرفین هر دو از آن سود ببرند و برای هر دو طرف مفید فایده باشد. توافقتنامه یکطرفه وجود ندارد. در عرف جهانی به این گونه توافقتنامه های یکطرفه، تسلیم نامه می گویند.

این توضیح از آن جهت لازم است که آقای اوباما از همان بدو امر آب پاکی به روی دستان کسانی می ریزد که با شیرین زبانی قصد دارند این سند یکجانبه را توافق دو طرف و پیروزی ایران جلوه دهند. آقای اوباما به صراحت در بازتاب ماهیت این سند بیان کرد که: "بنابراین این توافق بر اساس اعتماد نیست بلکه بر اساس راستی آزمائی بی سابقه است." این "توافقتنامه" بر اساس بی اعتمادی به ایران و برای بازرسی ایران تنظیم شده است. امضاء این سند از جانب ایران و بازرسی آژانس بین المللی هسته ای به عنوان دست دراز شده امپریالیسم آمریکا، ... ادامه در صفحه ۲

نقش سرمایه انحصاری در کمبود آب در جهان

یکی از بزرگترین معضلات قرن ۲۱ برای بشر تأمین آب آشامیدنی و نیز آب جهت تأمین نیازهای کشاورزی بشمار می آید.

خسارات کمبود آب از هر فاجعه طبیعی دیگر نظیر زمین لرزه، سیل، توفان و ... فاجعه بار تر است. از این رو بحران های ناشی از کمبود آب می تواند در دنیای طبقاتی به تنش ها و جنگهای خونبار تبدیل شود.

عقل سلیم حکم می کند استفاده از آب در جهان به یک حق مسلم بشریت تبدیل شود. ولی واقعیت اینست که ما در دوران سرمایه داری خشن نئولیبرالی زندگی می کنیم که به دنبال گسترش و تحکیم سلطه بر آب، جهت استثمار و بهره کشی هرچه بیشتر و فشردن این شاهرگ حیاتی در دستان ناپاک خود می باشد. سیاست خصوصی سازی آب آشامیدنی مردم یعنی واگذاری شیشه عمر بشریت به دست مثنی سرمایه دار خونخوار.

از ۷ میلیارد جمعیت کره ارض امروز حدود دو میلیارد و سیصد هزار نفر در مناطقی می زییند که با کمبود فاحش آب مواجه اند و پیش بینی می شود که تا ۲۰۲۵ نیمی از سکنه کره زمین به این سرنوشت دچار شوند.

همین امروز در بسیاری از نقاط دنیا نظیر چین، هند، استرالیا، فلسطین، کالیفرنیا و ... آب جیره بندی شده است. طبق آمار سازمان ملل امروز ۷۴۸ میلیون نفر از داشتن آب آشامیدنی بهداشتی محرومند.

این سازمان در گزارش ۲۲ مارس سال جاری به مناسبت روز جهانی آب اعلام داشت: "در جهان ما ۷ میلیارد انسان زندگی می کنند که برای هریک از آنها به اندازه کافی آب وجود دارد، به شرط آنکه در اداره نمودن، تقسیم و نیز استفاده از آن تغییرات اساسی بوجود آید." این سازمان در عین حال حق استفاده انسان از آب را جزء حقوق بشر بر شمرده است. ولی امروز در ۷۵۰ میلیون مورد این حق پایمال می شود و این رقم پیوسته رو به افزایش است. در گزارش سازمان ملل در عین حال آمده است که تا سال ۲۰۲۵، ۱/۶ میلیارد نفر در کره ارض با بحران مطلق کم آبی روبرو خواهند گشت. ... ادامه در صفحه ۳

تحولات اخیر ترکیه را چگونه باید ارزیابی کرد

دولت ترکیه اسلامگرایی را با ناسیونالیسم توسعه طلبانه ترک در آمیخته بود و آرزوی امپراتوری عثمانی را در سر می پروراند. تجاوز امپریالیسم آمریکا به عراق، محاصره اقتصادی ایران و باجگیری ترکیه از ایران و عراق و صدور کالاهای تجاری با هزینه های گزاف به این دو کشور، غارت نفت عراق در شمال آن کشور از جمله عواملی بودند که به شکوفائی اقتصادی این کشور امکان رشد می دادند.

نزدیکی ایران به سوریه و نفوذ ایران در لبنان، سوریه، عراق و تلاش ایران برای کشیدن لوله گازی از راه عراق به سوریه و دریای مدیترانه و دور زدن ترکیه برای دسترسی به بازارهای اروپا، نه باب طبع دولت ترکیه بود و نه دولت صهیونیستی اسرائیل و نه امپریالیسم آمریکا. دول لبنان، سوریه و جنبش فلسطین چون سپر بلای ایران در شرایط تجاوز علنی امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم اسرائیل به ایران عمل می کردند. حضور پایگاه دریائی روسیه در سوریه نیز خار چشم امپریالیسم در منطقه دریای مدیترانه بشمار می آمد. در کنار این عوامل پیدا شدن منابع عظیم گاز و نفت در آبهای بین المللی دریای مدیترانه که می تواند عامل نزاع میان قبرس، ترکیه، سوریه، لبنان و اسرائیل گردد، مجموعه ای از تضادها را تشدید می کرد که به اتخاذ سیاست جدید ترکیه در دشمنی با ایران در منطقه بدل شد. ترکیه منافع راهبردی خویش را در آن دید که در همدستی با امپریالیسم و صهیونیسم دولت قانونی بشار اسد را به بهانه حمایت از اپوزیسیون خود فروخته سوریه - که شباهتی با اپوزیسیون خود فروخته ایران دارند- سرنگون ... ادامه در صفحه ۴

به حزب کار ایران (توفان)، حزب طبقه کارگر ایران بپیونید

الحاقی را که تنها ایران امضاء کرده و خود سران ۱+۵ از امضایش برای بازرسی مالک و تاسیسات هسته ای شان امتناع می کنند، می خواهند به تصویب مجلس ایران برسانند. نمایندگان "صالح" منتخب شورای نگهبان مسلمان قدرت مخالفت با این تسلیم نامه را ندارند. به ویژه آنکه از هم اکنون با یاری بخشی از حاکمیت و یاران آمریکائیش در جامعه، بوی دلارهای سرمایه گذاریهای نئولیبرالی آمریکائی و حذف یارانه های دولتی در ایران به مشام می رسد و یک پایگاه نازک اجتماعی مناسب برای این خیانت ملی نیز فراهم شده است.

تصویب این پروتکل تسلیم طلبانه الحاقی به قدری شرم آور بود که ولی فقیه آقای علی خامنه ای در نطق انتقادی خویش نسبت به توافقنامه لوزانچای به صراحت اعلام کرد که هرگز به مفاد مربوط به حضور سرزده و بازرسی تاسیسات نظامی ایران از جانب بازرسان اژانس بین المللی هسته ای تن در نمی دهد. متعاقب سخنان وی رهبران سپاه پاسداران نیز به دولت تاختند که مانع ورود این هیاتهای جاسوسی به تاسیسات نظامی ایران می گردند. این اظهار نظرات این امید را در دل زنده می کرد که دولت ایران علیرغم امضای پروتکل الحاقی و تصویب آن قصد ندارد اختیارات بی حد و حصر به بازرسان اژانس بین المللی هسته ای برای نظارت و بررسی بدهد و می خواهد بازرسی آنها را به همان حدی که در پیمان منع گسترش سلاحهای هسته ای منظور شده است، محدود کند. در سند اخیر که بعد از بحثهای فراوان با مخالفت ایران سرانجام به تصویب رسیده است شکل سیاست بازرسی تا حدودی تغییر کرده است. در این سند بر خلاف سند قبلی از تاسیسات نظامی ایران سخن به میان نمی رود، بلکه تاسیسات ایران به تاسیسات هسته ای و تاسیسات غیر هسته ای (بخوانید نظامی-توفان) تقسیم شده اند. بازرسان اژانس به هر صورت از این حق بی حد و حصر برخوردارند که بدون خبر به بازرسی تاسیسات هسته ای ایران بپردازند و نیازی به کسب اجازه از دولت ایران ندارند. ولی در مورد تاسیسات غیر هسته ای که منظورشان حتماً تاسیسات و مراکز گاوآردی یا مرغداری نیست، باید دلایلی مبنی بر مظنون بودن این تاسیسات ارائه دهند تا بتوانند از این تاسیسات بازدید به عمل آورند. به این ترتیب جای عبارت تاسیسات نظامی ایران را با مراکز مورد "ظن" تغییر داده اند تا به قول خودشان اختیارات بازرسان اجنبی را محدود کرده و آن را فقط به امکان "مظنون" محدود نمایند. با این شگرد جدید همان اختیاراتی را که ظاهراً رهبر به علت مخالفت مردمی مورد اعتراض قرار داده بود، به نحو دیگری با ایجاد موانع و امکان تنفس کوتاه پذیرفته اند. اینکه کدام محل به دلایلی مورد "ظن" قرار دارد ربطی به توافق طرفین ندارد. کافی است تا بازرسان اژانس چنین ادعائی را مطرح کنند تا از همه حقوق جاسوسی بی حد و حصر برخوردار باشند، زیرا نا گفته روشن است که رژیم جمهوری اسلامی به هیچکدام از تاسیسات غیر هسته ای خویش "مظنون" نیست و این اژانس بین المللی انرژی هسته ای است که می تواند به تاسیسات ایران مشکوک شده و خواهان بازرسی آن شود. روشن است که "مظنون" بودن فقط حقی است که به بازرسان جاسوس بیگانه تفویض شده است. تصورش هم نمی رود که دولت ایران به تاسیسات خودش "مظنون" باشد. در این میان این نکته ناروشن می ماند که دولت ایران نیز باید با ادعاهای بازرسان

...ادامه در صفحه ۳

که ناظر بر این قطعنامه بود مرتفع می شد. به سخن دیگر رفع تحریمهای غیر قانونی علیه ایران باید محصول این توافقنامه اخیر هسته ای در وین می بود. ولی آقای اوباما مدعی است که بطلان قطعنامه به هیچوجه مطرح نیست. این قطعنامه در واقع "تعلیق" می شود و باید مانند شمشیر دموکلس بر بالای سر ایران نوسان کند. اینکه چه موقع فرود می آید به اراده امپریالیسم آمریکا بستگی دارد. آقای اوباما با این کارش حتی اختیارات سایر اعضاء دارای حق وتو را در این شورای "امنیت" از بین برده است. از این بعد قطعنامه هائی وجود دارند که در آتیه اجرا، تعلیق و یا عدم اجرایشان تنها به اراده امپریالیسم آمریکا بستگی داشته و به رای تأییدی و یا رد سایر اعضاء شورای امنیت بستگی ندارند. آقای اوباما یک بدعت جدید در شورای امنیت سازمان ملل متحد به بهانه "ترس" از ایران خلق کرده است و مدعی است چنانچه ایران به نقض مفاد موافقتنامه بپردازد، این قطعنامه ها فوراً فعال شده و به وظیفه خود بدون طرح مجدد در شورای امنیت از ترس وتوی روسیه یا چین عمل می کند. اینکه چه کسی تشخیص می دهد مفاد این توافقنامه نقض شده است، طبیعتاً به عهده جاسوسان آمریکاست. زیرا تصور سفیهانه ایست اگر کسی مدعی شود، ایران به نقض مفاد توافقنامه از جانب خودش "اعتراف" می کند. از این بعد قطعنامه های شورای امنیت ماهیت ابدی دارند، خود بخود فعال شده و یا منفعلی می گردند. از این بعد درجه فعال بودن یک قطعنامه را اراده سیاسی امپریالیسم تعیین می کند. این اختراع جدید این خاصیت را دارد که ایران نمی تواند گریبانش را از دست تروریسم امپریالیستی رها کند. ایران زیرپای حقوقی محکمی ندارد و همیشه در وضعیت پا در هوا به سر می برد. هر روز می شود جو سیاسی را عوض کرده و فریادهای جنگ طلبانه سر داد. اگر پرونده تجاوز به ایران بنا بر مصلحت روز و ناتوانی انجام آن به داخل کشوی آقای اوباما رفته است، فردا ممکن است با تغییر اوضاع سیاسی و بازی های جدید مجدداً به روی میز بیاید. در واقع توافقنامه با ایران توافقی پا در هوا و بدون پشتوانه بوده و به هوا و هوس مصالح سیاسی امپریالیسم آمریکا بستگی دارد. همین اظهار نظر آقای اوباما نشانه بی اعتباری این توافقنامه و گویای خفتی است که تیم مذاکره کننده پذیرفته است. تیم مذاکره کننده از تحقق کامل حقوق مسلم ایران به امید سخنان واهی و بی اعتبار و باد هوای آقای اوباما عقب نشینی کرده است.

جاسوسی امپریالیسم و صهیونیسم در ایران و پذیرش

تحقیق مردم ایران

واقعیت این است که ایران حقیرانه پروتکل الحاقی را در دوران ریاست جمهوری آقای خاتمی و با مدیریت همین آقای روحانی نخست وزیر کنونی پذیرفته بود، ولی این پروتکل الحاقی هرگز به تصویب مجلس فرمایشی ایران نرسیده بود. ولی حالا همان پروتکل

بیانیه تحلیلی حزب کار ایران...

تنها برای نظارت و بازرسی ایران است و نه اینکه قرار است "حقوق مسلم" عقب افتاده ایران با بهره مقتضی با عرض معذرت پرداخت شود. سندی که از جانب یک طرف برای بازرسی و پائیدن طرف دیگر تهیه و تنظیم شود، مسلماً نمی تواند مورد توافق هر دو طرف باشد، مگر اینکه بپذیریم که رژیم جمهوری اسلامی پذیرفته است که دارای کوچکترین حقی نبوده و با اعمالش و با تخطی از حقوق بین الملل موجبات بی اعتمادی جهانی را فراهم آورده و حالا باید از اینکه دنیا را به لب پرتگاه جنگ کشانده است مورد مواخذه قرار گرفته و تاوان پس دهد و ننگ بازرسی و اسارت را بپذیرد. اوباما در بیان ماهیت این سند و امضاء آن مدعی شد: امضاء این سند "جهان را امن تر" کرده است. تو گوئی اگر ایرانی که گویا دنیا را به لب پرتگاه خطر جنگ کشانده است، این سند را امضاء نمی کرد دنیای امپریالیستی در امن و امان قرار داشت، امنیت آن از بین نمی رفت و خطر جنگ دنیا را تهدید نمی کرد. از گوئی این ریگان ها، جرج بوش ها و اوباماها نبودند که دنیا را به جنگ و آشوب کشانده اند.

شما وقتی سند را مطالعه می کنید، روح آن را درمی یابید. روح این سند در آن است که به امپریالیسم آمریکا این امکان را می دهد که با هزاران بند و اهرم مرئی و نامرئی ایران را تحت نظر و بازرسی و مهار خود داشته باشد. همه چیز سند موقتی و به رضا رغبت امپریالیسم آمریکا مربوط می شود. آنها سند را با روحی تنظیم کرده اند که دستشان را در هر مورد و بر اساس هر تفسیری که خود تشخیص دادند باز بگذارند. زیر پای ایران خالی است و آمریکا از بالا به ایران نگاه می کند و اوامر و دستورات خود را به اجراء می گذارد. شیشه عمر ایران در دست امپریالیستهایست. اوباما به طور روشن و صریح اشاره کرد: "با این توافق به تمام زنجیره هسته ای ایران دسترسی داریم و روند راستی آزمایی در این توافق جامع و دقیق است."

اختراع آئین نامه جدید جهانی

یکی دیگر از زورگوئی های امپریالیسم آمریکا که آنرا به همه امپریالیستهای دیگر و به همه مردم جهان تحمیل کرده است و نقش قوه مقتنه جهانی را بازی می کند، دادن جنبه خودکار و فعال شدن قطعنامه های جهانی به صورت خود بخودی و بدون اتخاذ رای و یا رای مجدد است. در شورای امنیت سازمان ملل متحد قطعنامه هائی غیر قانونی بر ضد ایران و نقض حقوق مسلم مردم ایران در استفاده صلح آمیز از انرژی هسته ای به تصویب رسیده است. اژانس بین المللی انرژی هسته ای که دست دراز شده آمریکاست با اعمال نفوذ آمریکا و اسرائیل، پرونده فنی هسته ای ایران را با ارجاع به شورای امنیت سازمان ملل متحد، به امری سیاسی در عرصه جهانی بدل کرده است. آنها به یاری امپریالیسم رسانه ای صهیونیسم جهانی و همدستی اپوزیسیون خودفروخته ایران، از بمبهای اتمی موهومی ایران سخن می رانند تا افکار عمومی مردم جهان را برای پرده پوشی اعمال غیر قانونی خویش و محکومیت ایران جلب کرده و بر این اقدامات تروریستی سرپوش بگذارند. در این شورای "امنیت"، با همدستی امپریالیسم روسیه و چین قطعنامه هائی غیر قانونی بر ضد ایران به تصویب رسیدند. تا کنون وضع به این منوال بود که با رفع دلایلی که موجبات تصویب چنین قطعنامه هائی را فراهم آورده بود، بی اعتباری آتی این قطعنامه اعلام می گشت و تبعات عملی آن

از فیسبوک توفان انگلیسی دیدن کنید!

<https://www.facebook.com/pli.toufan?ref=ts&fref=ts>



INTERNATIONAL CONFERENCE OF MARXIST-LENINIST PARTIES AND ORGANIZATIONS



سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی، به دست مردم ایران

بیانیه تحلیلی حزب کار ایران...

اژانس مبنی بر مشکوک بودن تاسیسات معینی در ایران و مدارک ارائه شده از جانب آنان موافقت کند و یا خیر. آنوقت این پرسش مطرح است که در صورت مخالفت بازرسی تاسیسات نظامی ایران از طرف جاسوسان اژانس چه عواقبی بر آن مرتب است. در اینجا باید به سخنان آقای اویاما فکر کرد که با همان بندهای نامرئی اوامر مربوطه را بر اساس بی اعتمادی به ایران صادر می کند. می بینیم که دست آمریکا در این زمینه بسیار باز است. (ادامه دارد)

نقش سرمایه انحصاری در کمبود...

غیر از دلایل جوی مانند بالا رفتن تدریجی درجه حرارت، استفاده ناروا از آب جهت تولید انرژی، استفاده غیر مسئولانه از آن در صنعت کشاورزی و بالاخره آلوده نمودن آبهای زیر زمینی از طریق رسوبات شیمیایی نظیر محصول شیمیایی ضد آفت "پستیسید"، معادن و کودهای شیمیایی نیز از جمله علل کمبود مدام و مستمر آب به شمار می آیند.

طبق داده های موجود معضل آب مستقیماً مربوط به افزایش جمعیت و کاهش بارش نیست. از این رو معضل آب تنها از خشک سالی و وجود اقلیم های خشک نشئت نمی گیرد، بلکه این سرمایه داری جهانی است که با انحصاری ساختن هر چه بیشتر آب، بویژه آب آشامیدنی در عمل، جنگ را آغاز کرده است.

جنگ آب همانند جنگ نفت و گاز در رأس سیاست راهبردی امپریالیسم با سیاست نئولیبرالی قرار دارد. سرمایه داران به انحصار اسلحه، مواد انرژی زاء، غلات و سایر مواد خوراکی بسنده نمی کنند. آنها امروز بیش از هر زمان در عرصه آب نیز به تاخت و تاز مشغولند تا این مایه حیاتی را هر چه بیشتر به انحصار خویش در آورند و از آن طریق سودهای افسانه ای به جیب بزنند. آنها آب که یک عنصر طبیعی به شمار می آید و انسانها می بایست از آن در امور کشاورزی و شرب استفاده کنند و در اساس جزء ثروت و امکانات ملی به شمار می آید را جهت کسب سود به کالا تبدیل کره اند.

تجارت با آب را در آغاز با این استدلال عوامفریبانه، خصوصی ساختند که گویا آب در اثر رقابت "ارزانتتر" می شود!!

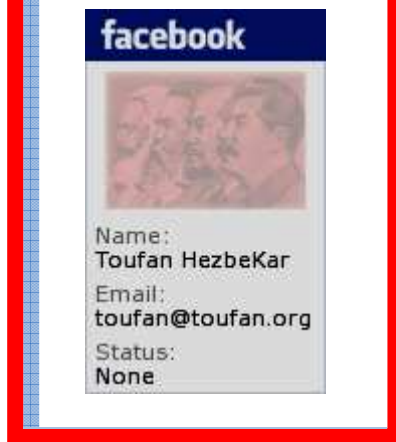
اما برای نمونه در امر خصوصی سازی آب در انگلستان قیمت آب مصرفی هر خانوار به ۵۰۰ پوند در سال رسیده است.

به دیگر سخن از سال ۲۰۰۳ تا کنون قیمت آب مصرفی هر خانواده در این کشور ۶۵ درصد افزایش یافته است. در آمد خالص شرکت های انحصاری آب در انگلستان بین سالهای ۲۰۱۱-۲۰۱۲ حدود ۲ میلیارد پوند بوده است.

آب به مثابه عنصر حیاتی در زندگی بشر می بایست علی الاصول در انحصار دولت باشد تا مردم از آن با بهای مناسب بهره مند شوند. اما امروز آب به انحصار شرکت های خصوصی در آمده است که مشغول چاپیدن مردم هستند.

با هجوم روز افزون سرمایه های مالی به عرصه بهره برداری از آب، روند خصوصی سازی آن لاینقطع در سراسر جهان رو به افزایش است. کنسرن های فراملی کشاورزی با تصاحب زمین های مزروعی، مراتع و منابع آب را به ثمن بخش تصاحب می کنند و در بسیاری موارد با زراعت تک محصولی (Monokultur) ضربات سهمگینی به

توفان درتوییتر
Toufanhezbkar
حزب کار ایران (توفان)
درفیس بوک
Toufan HezbeKar



زندگی مردم و محیط زیست وارد می سازند. این نوع سامان تولید عظیم کشاورزی طبیعتاً به آب زیاد نیاز دارد که نتیجه ای جز کم و یا بی بی برای مردم آن منطقه به بار نمی آورد. برای نمونه در آفریقا زمین داران بزرگ آب را برای مزارع خود می رزایند و مردم از گرسنگی و تشنگی هلاک می شوند.

امروز کشاورزی قریب به ۷۰ درصد از منابع آبی موجود در جهان را به خود اختصاص داده است.

بنابر تحقیقات موجود، اگر در نظر بگیریم که جمعیت جهان در سال ۲۰۵۰ به ۹ میلیارد نفر خواهد رسید، آنگاه به عمق فاجعه و بی آبی که در انتظار بشریت است، بیشتر پی خواهیم برد.

در جنوب آسیا، خاورمیانه و آفریقا وضع از همه جا بدتر است. پیش بینی می شود که در ۱۰ سال آینده دو سوم از زمینهای زراعی آفریقا به دشت بی حاصل تبدیل شود. از آنجا که ۹۸ درصد از مصرف مواد غذایی مردم آفریقا در خود قاره تولید می گردد، می توان تصور کرد که چه بحران و فاجعه دردناکی در راه است.

پیش بینی می شود که تا سال ۲۰۲۵ زمین های آفریقا تنها برای یک نفر از هر چهار نفر قادر به تولید مواد غذایی می باشد.

طبق آمار "یو. ان. سی. سی. دی (United Nations Convention to Combat Desertification)" مساحت زمین های لم یزرع (یا به کویر مبدل شده) در جهان بویژه در آفریقا ۳۵ میلیون کیلومتر مربع می باشد که ۳/۵ برابر مساحت کل اروپا است.

طبق این آمار سالانه ۱۲ میلیون هکتار زمین های حاصلخیز به لم یزرع تبدیل می شود. یعنی در هر دقیقه ۲۳ هکتار!

لازم به یادآوری است که قریب به یک میلیارد انسان در این مناطق کویری زندگی می کنند.

علت را باید در کجا جستجو کرد؟ در بسیاری از مناطق کره زمین که از نظر اقلیمی زمستان معتدل و تابستان گرم می باشد، محصولات

کشاورزی سریعتر به عمل می آیند. لذا این مناطق برای سرمایه داران دارای جذابیت خاصی می باشد. اما از آنجا که در این مناطق بارش کم است، سعی می شود که از طریق چاههای نیمه عمیق و عمیق آب لازم را تأمین کنند. مرجع: (Wasserraub.de).

در نتیجه کنسرنهای کشاورزی که محصولات کشاورزی اعم از غذایی و صنعتی در این مناطق کشت می کنند نیاز فراوان به آبهای سطحی و عمیق دارند. در نتیجه بسیاری از کشاورزان این مناطق در اثر کم آبی و یا بی آبی قادر به کشت و یا حتی استفاده از آب جهت آشامیدن نیستند. برای نمونه اهالی "فانایه (Fanaye)" واقع در سنگال برای بازیافت مراتع و مزارع خود علیه شرکت "زن هوئل (Senhuile)" به مبارزه برخاسته اند.

این زمین ها از طرف دولت سنگال به شرکت "زنتانول (Senthanol)" که با سرمایه گذاری مالی "تام پیری (Tom Pieri)" جهت تأسیس شرکتی تحت نام "زن هوئل" وارد عمل شده بود، فروخته شد.

اکنون این شرکت با کشت تک محصولی (Monokultur) تخم آفتاب گردان مشغول تولید "اتانول" می باشد. دولت سنگال عملاً این زمین ها را، که مردم این کشور سنتاً حق استفاده از آن، جهت امرار معاش داشته اند، روبرو و در اختیار سرمایه داران "مدافع حقوق بشر" گذارده است. و امروز مردم سنگال برای احقاق حقوق خود بپا خاسته و مبارزه ای شدیدی را آغاز نموده اند. زیرا روز بروز بر دامنه دشت های لم یزرع، در اثر سوء مدیریت و سوء استفاده از آب و زمین های زراعی و مراتع افزوده می گردد. غصب زمین های مزروعی تنها یکی از جنبه های سلطه سرمایه به سرزمین و آب می باشد.

برای نمونه شرکت "مونسانتو" رسماً اعلام کرده است که مایل به همکاری با انحصارات مالی (IFC) می باشد تا در حوزه آب آشامیدنی "یک بحران جهانی را به یک فرصت خوب کسب و کار" مبدل سازد!! "توسعه پایدار مبتنی بر منطق کسب"، شعار دیگری است که کمپانی "مونسانتو" در رابطه با سلطه بر آب آشامیدنی بکار برده است. این شرکت در یکی از گزارش های خود آورده است مثلاً تا سال ۲۰۲۵ عرضه آب در هند به ۷۰۰ کیلومتر مکعب در سال خواهد رسید.

از سوی دیگر بانک جهانی اولین گام ها را در سال ۱۹۹۲ در مورد خصوصی سازی آب برداشت. این بانک در راستای سیاست راهبردی نئولیبرالی خود، فرمان خصوصی سازی منابع زیرزمینی، کارخانجات، خدمات و نیز آب آشامیدنی را صادر نموده است.

دولتها به بهانه های گوناگون از جمله آلودگی آب آشامیدنی که بعضاً ساختگی و یا عمدی است، منابع آب را به شرکتهای خصوصی که در ارتباط تنگاتنگ با بانک ها و سرمایه های انحصاری بزرگ قرار دارند واگذاری می کنند. آنها نیز پس از سوار شدن بر خر مُراد با تعیین قیمت جدید، از یک سو کشور و مردم آنها را می چایند و از جانب دیگر با پنجه افکندن بر آب به مثابه شاهرگ حیاتی مردم از آن جهت تحکیم سلطه خود استفاده ابزاری می کنند.

در این میان وظیفه سازمان تجارت جهانی که تحت فرمان بانک جهانی عمل می کند، برداشتن موانع قانونی که در کشور مورد تاخت و تاز وجود دارند از جلوی پای شرکت های خصوصی می باشد، تا راه را برای چپاول هموار سازد.

بانک جهانی چالش آب آشامیدنی در جهان را یک فرصت بسیار مناسب جهت سرمایه گذاری و انمود کرده است. این بانک درآمد حاصل از این منبع را ۸۰۰ میلیارد دلار بر آورد کرده... (ادامه در صفحه ۴)

امپریالیسم آمریکاتروریست، جاسوس، ناقض حقوق اساسی انسانها و دشمن شماره یک بشریت است

نقش سرمایه انحصاری در کمبود...

است. این بانک از همان سال ۱۹۹۲ با طرح برنامه ای تحت عنوان "مدیریت آب" با وقاحت بیان داشت که حتی فقیرترین اقشار باید جهت دریافت آب آشامیدنی پول بپردازند.

در کشور آمریکا در سال ۱۰۰ میلیارد دلار آب آشامیدنی به فروش می رسد.

تنها شرکت (US Filter Corporation) در آمد سالانه خود را ۱۲ میلیارد دلار تخمین می زند.

از سوی دیگر بانک جهانی با سرمایه گذاری مشترک با شرکت جنرال الکتریک، نقشه خصوصی سازی آب و برق در جهان را در سر می پروراند.

در کشورهای بلغارستان، آلمان، پاناما، و در شهر ریودو ژانیرو انحصار آب در دست شرکت "انرون" (Enron) قرار دارد. فروش این شرکت در این بخش ۴۰۰ میلیارد دلار می باشد. انرون در نظر دارد که با

سرمایه گذاری های جدید این رقم را به ۶۰۰ میلیارد دلار برساند.

شرکتهای کوکاکولا، پبسی و نیز تنها به فروش نوشابه های "زرد" و "سیاه" بسنده نمی کنند، بلکه ده ها میلیون بطری آب نیز در جهان به فروش می رسانند.

آنها علناً اعلام نموده اند که به علت محدود بودن منابع آب آشامیدنی، با حرکت از شعار "توسعه پایدار" قرن ۲۱ را به فرنی پر درآمد مبدل سازند.

شرکت "نستله" که یکی از بزرگترین تولید کنندگان مواد خوراکی در جهان محسوب می شود، تنها در سال ۲۰۱۳، ۹۲/۲ میلیارد فرانک سوئیس فروش داشته است که در مجموع ۱۰ میلیارد سود خالص نصیب این شرکت ساخته است.

گرچه حجم فروش آب آشامیدنی این شرکت از ۷ درصد کل فروش تجاوز نمی کند، ولی علیرغم این با فروش ۶/۵ میلیارد (فرانک سوئیس) آب در سال، یکی از بزرگترین فروشندگان آب آشامیدنی در جهان به شمار می آید. آب آشامیدنی این شرکت در ۱۹۴ کشور جهان عرضه می شود. این کنسرن در مجموع ۴۴۷ موسسه تولیدی در سرتاسر جهان دایر کرده است و روز بروز بر دامنه سلطه خویش در فروش مواد خوراکی و آشامیدنی بویژه آب می افزاید.

مادام که در جهان درب بر این پاشنه می گردد نه تنها چاره ای اساسی برای جبران کمبود آب یافت نخواهد شد، بلکه برعکس، جهانیان روز بروز بیشتر با بحران کم آبی و بی آبی مواجه خواهند بود که دیر یا زود به "جنگ آب" نیز منجر خواهد شد.

ایجاد هرگونه سلطه استعماری، علی الاصول به پیش فرض ها و داده هایی هرچند ساختگی نیاز دارد. امپریالیستها چه در عرصه نظامی، چه اقتصادی، چه سیاسی و فرهنگی پیوسته به دنبال مستمسکی می گردند تا سلطه خود را توجیه کنند.

این بهانه جویی ها را ما در مورد جنگها و تجاوزات امپریالیستی، بویژه در دو دهه اخیر، شاهد بوده ایم.

۱۱ سپتامبر لازم بود تا به افغانستان لشکرکشی کنند، "تسلیمات کشتار جمعی" عراق، دروغی اختراعی بود، جهت توجیه تجاوز به آن کشور. وجود حکومتی مستبد لیبی و سوریه نیز بهانه تجاوز به این دو کشور را به دست آنها داد و ...

انحصارات امپریالیستی در عرصه های گوناگون از جمله غلات، مواد غذایی و امروز آب نیز به همین سبک عمل می کنند.

سوراخ شدن لایه اوزن، وجود گازهای گلخانه ای در اثر بالا رفتن حرارت متوسط زمین، ازدیاد جمعیت، آلودگی آب و ... بهانه هایی می باشند که ورود آنها به عرصه انحصاری نمودن آب را توجیه می کنند. همانگونه که امپریالیستها برای سلطه بر مواد انرژی را

و سایر مواد خام تا سرحد جنگ پیش رفته و می روند، بدون تردید در مورد آب نیز چنین عمل خواهند کرد. باید در انتظار جنگهای خونین آینده برای سلطه بر آب و منابع آبی بود.

مسئله آب فقط این نیست که از یک ثروت عمومی با سیاست لیبرالی به ثروت خصوصی سرمایه داران بدل می شود، این کمبود منشاء جنگ و زورگویی در روابط میان کشورهاست. دولت ترکیه از این ابزار با سد سازیهای گزینشی و سیاسی دولتهای سوریه، عراق و ایران را تحت فشار می گذارد. افغانستان با سد هیرمند با امضای محمد رضا شاه خائن مناطق شرق ایران و دریچه های شرق ایران را به خشک شدن محکوم کرده و به مهاجرت صدها هزار مردم زایل منجر شده است. اریتره و سودان با سد سازی، رودخانه نیل را به بی آبی تهدید می کنند که فاجعه می آفریند. این قصه سر دراز دارد.

تنها در نیم قرن گذشته ۳۷ مورد درگیری خشونت آمیز میان کشورها بر سر مسئله آب وجود داشته است، که ۳۰ مورد آن به خاورمیانه ربط پیدا می کند.

همین اواخر مسئولان دولتی اردن که با کمبود شدید آب مواجه اند، اعلام کرده اند که جنگ آب می تواند خونبار تر از بهار عربی باشد.

کاهش بی سابقه آب در دجله و فرات، در ایران، ترکیه، عراق و ... روز بروز مردم را بیشتر در مضیقه آب فرو خواهد برد. بیم آن می رود که جنگهای جدیدی بر سر آب شعله ور شود. جنگ برای رفع تشنگی انسانها و تولید آذوقه با ناسیونالیسم رنگ خواهد خورد و نفرت ملی میان ملتها تقویت می شود. این مشکل را نه با قانون و حقوق بین الملل، بلکه با استقرار سوسیالیسم و دوستی میان ملتها و زحمتکشان تحت رهبری پروتلاریا و با استقرار دیکتاتوری طبقاتی پرولتری می توان حل کرد.

راه دیگری بر آن متصور نیست. در یک دنیایی که متعلق به همه بشریت باشد آب کره زمین را می توان عادلانه و با برنامه ریزی توزیع کرد و از جنگ ضد بشری جلوگیری کرد.

اگر تا امروز آب برای مهار و خاموش کردن شعله های آتش بکار می رفت، زمین پس در دنیای طبقاتی و سرمایه داری آب آتش بیار جنگهای آبی به شمار خواهد آمد.

تحولات اخیر ترکیه را ...

کند و نفوذ خودش را در جهت سیاست عثمانی بزرگتر در منطقه افزایش دهد. ترکیه با این انگیزه ها در همدستی با امپریالیستها، پس از شکست در سرنگونی فوری بشار اسد که مورد حمایت مردم سوریه بود، به حمایت از تروریسم داعش پرداخت. هزینه سنگین مالی این گروه تروریستی جهانی را دولت رسمی عربستان سعودی و دولت رسمی قطر و نه انطور که بعدها رسانه های دروغگوی غرب القاء می کردند سرمایه داران خصوصی عرب می پردازند. اسلحه و تجهیزات آنها از دول امپریالیستی خریداری شده از راه ترکیه به دست این تروریستها رسیده و به داخل سوریه ارسال می شود. سازمانهای امنیتی غرب این اسلامیستها داعشی را در ممالک خود پرورش داده و با در ممالک عربی و غیر عربی سازمان داده و به داخل سوریه راه ترکیه به سوریه گسیل می داشتند. خدمات پزشکی و تدارک و تجهیزات لازم از قبیل خوراک و پوشاک و به ویژه اطلاعات جنگی و تبلیغاتی این عده از طریق حامیان بین المللی آنها تامین می شد. همه جنایات این وحشیان در کارنامه سیاه امپریالیسم، صهیونیسم و پان ترکیسم اسلامی

ترکیه و ممالک عرب ارتجاعی منطقه ثبت است. ولی دسیسه این جنایتان بین المللی و عمال منطقه ای آنان به چند دلیل با شکست مقضضحانه مواجه شد. نخست اینکه روسیه، چین و ایران به حمایت از سوریه برخاستند و با سیاستهای ترکیه و آمریکا در منطقه مخالفت کردند. حزب اله لبنان مسلح شد و به جنگ با داعش پرداخت، کردهای انقلابی سوریه که ماهیت کردهای خود فروخته آمریکائی-اسرائیلی در عراق را نداشتند بر خلاف انتظار ارتجاع منطقه به حمایت از سوریه پرداختند و در مقابل تجزیه سوریه مقاومت کردند و مانع شدند که ترکیه یک منطقه "آزاد" بوجود آورده و به بهانه "سوریه آزاد" و حمایت از "دولت سوریه آزاد" که فوراً از جانب همه امپریالیستها به رسمیت شناخته می شد، به کشور سوریه حمله کنند. مقاومت قهرمانانه کردهای کوبانه و حمایت عظیم جهانی از آنها، مقاومت مردم سوریه و حمایت حزب اله لبنان از آنان، حمایت ایران و روسیه از آنان و ابعاد تهوع آور جنایات وحشیانه داعش که مورد حمایت ترکیه و بخشی ممالک عربی و امپریالیستها بود و موجی از نفرت در جهان ایجاد کرده بود که ادامه جنگ در سوریه و ابعاد جنایات آنها که با گذشت زمان هر روز بیشتر بر ملا می شد شکست سیاست تجزیه سوریه و ایجاد عثمانی بزرگ را برای ترکیه در پیش داشت. روشن بود که تجاوز به سوریه که به جای دو هفته به بیش از دو سال انجامید در محاسبه آنها منظور نشده بود و نه تنها سیل میلیونی پناهندگان سوری را راهی اروپا کرد که خود بحران آفرین است، بلکه مهار داعش را نیز از دست آنها خارج ساخت به طوری که ناچار به سرکوب گزینشی آنها شدند. البته هنوز هم همکاری کردهای عراقی، آمریکا و انگلستان و ترکیه و قطر و ... با وحوش داعشی ادامه دارد و سرکوب آنها فقط در جهاتی صورت می گیرد که مغایر منافع امپریالیسم باشد.

پیروزی اخیر نیروهای مترقی در انتخابات ترکیه که به تضعیف اردوغان منجر شده است، رشد نیروهای انقلابی کرد در ترکیه و بویژه تأثیرات مثبت مقاومت کردهای سوریه در "عین العرب" (کوبانه) بر کردهای ترکیه و پیدایش جنبشی در حمایت از آنها، شکست سیاست تجاوزگرانه و مذبذبه دولت ترکیه در حمایت از داعش و بی ابرویی اردوغان در جهان و ترکیه که دستش در این زمینه رو شده است، مقاومت مردم ترکیه در مقابل سیاست حمایت از داعش، مقاومت مردم سوریه و حمایت آنها از رژیم بعثی بشار اسد، بی اعتباری نفوذ ترکیه در اثر این نقش کثیف و مخرب در دنیای عرب و در نزد مسلمانان، انعقاد توافقنامه هسته ای ایران با آمریکا که به هر صورت دست ایران را در منطقه بازر می کند و برای اقتصاد ترکیه خوش آیند نیست، افزایش نفوذ ایران در سوریه، لبنان و عراق اردوغان را در شرایطی قرار داد که به مماشیات بی پایان خود با تروریسم داعش مهار زند و از آنها برای نیات شوم آبی خود به اشکال دیگر استفاده کند. بمب گذاری انتحاری در نشست جوانان کمونیست، سوسیالیست، دموکرات و انقلابی گرد و تُرک در شهرک "سوروج" ترکیه در مرز مشترک با سوریه نزدیک "عین العرب" ۳۲ نفر کشته و بیش از ۱۰۰ نفر زخمی به جای گذارد. این عملیات انتحاری تروریستی در جنوب ترکیه مسلماً با دست دولت اسلامگرای ترکیه به صورت استفاده از یک عنصر داعشی تُرک، و با هدایت و سیاست و آگاهی کامل دولت ترکیه انجام شده است. این اقدام یک اعلان جنگ علنی به نیروهای انقلابی درون ترکیه و به ویژه به مقاومت انقلابی کردهای "پ. کا. کا." در مقابل دسیسه تجزیه سوریه است. دولت ترکیه این وضعیت را بهانه ای قرار داده است تا به نام "دفاع از .. ادامه در صفحه ۵"

دین امر خصوصی است و باید از دولت و آموزش جدا شود

تحولات اخیر ترکیه را ...

خود" به کشورهای عراق و سوریه حمله هوایی کند و خود را برای دخالت زمینی و تجاوز و اشغال این کشورها آماده گرداند. سیاستی که ترکیه در جامش با دست داعش موافق بود، حال به بهانه سرکوب داعش دوباره مورد آزمایش قرار می دهد. دولت ترکیه ترور داعش را بهانه می کند تا مخالفان خود و کردهای قلابی را سرکوب کند. مبارزه وی علیه تروریسم مبارزه علیه بیروهای قلابی است. با ایجاد فضای سرکوب پلیسی در ترکیه، دولت وقت به سمتی می رود تا از تشکیل دولت جدید که ۱۳ درصد مایندگان مجلس ترکیه را بیروهای مترقی دارد، جلوگیری کرده و به انتخابات مجدد با دخالت روشن در نتیجه آراء دست بزند و استبداد آقای اردوغان را حاکم گرداند. ترکیه به سمت یک کودتای حکومتی پیش می رود تا امکان تثبیت رژیم متزلزل اردوغان را فراهم آورد. تجاوز به سوریه با توجه به میلیونها سوریه ای پناهنده که در ترکیه وجود دارد و صدها هزار فرار از آنها در جستجوی کار به شهرهای بزرگ ترکیه سفر کرده اند، کار مخاطره آمیزی است. داعش یز که مهار کاملش از دست همه کتباتی که با تروریسم قمار کرد و می کنند در رفته است، حال در پی اقدامات تلافی جویانه است که مسلمان به صنعت تروریسم در ترکیه صدمات فراوان خواهد زد. اردوغان چهار عمل در بن بست که خود برای خویش ایجاد کرده است به سمت دیوار می تازد. آنها می خواهند یک دیوار مرزی به طول ۹۰۰ کیلومتر میان ترکیه و سوریه بکشند. ظارت بر این دیوار به این طویلی کار آسانی نیست و بسیار هزینه بر می دارد. گذشته از اینکه دولت ترکیه به این بهانه قصد دارد بخشی از خاک سوریه را ضمیمه کشور ترکیه کند و جلوی فوذ گردهای سوریه در ترکیه را بگیرد. از این گذشته زدیکی آمریکا و روسیه در مورد تحمیل قرار داد هسته ای به ایران، بخت زدیکی آنها را در حل بحران سوریه افزایش داده است. این خواست را جان کری با تشکر از دولت روسیه بر زبان آورد. این زدیکی به ضرر دولت ترکیه است. البته بحران در منطقه طول عمر اسرائیل را افزایش داده و دشمنان وی را تضعیف کرده است و آنها این امر را مدیون ترکیه و عربستان سعودی و قطر هستند. بغلجی اوضاع خاورمیانه محصول این منافع متضاد یز می باشد. اتفاقا در این کلاف سر درگم است که کشورهای منطقه باید از حق حاکمیت ملی و تمامیت ارضی ممالک منطقه حمایت کنند و دست صهیونیسم اسرائیل را در منطقه کوتاه کنند. البته باید فراموش کرد که امپریالیستها ممکن است در وضعیت جدید منطقه به خاطر توازن قوای سیاسی به سازش برسند ولی از هم اکنون آمریکائی ها بخشی از داعشی ها را همراه با تروریستهای چین و تاتارهای کریمه بسیج کرده، در اوکراین آموزش ظامی می دهند و به مقابله با مخالفان دولت کیف می فرستند. امپریالیستها و بویژه امپریالیسم آمریکا به این مهره ها برای ایجاد تفرقه و تزلزل در جمهوری های مسلمان آسیای میانه از طریق فوذ ترکیه و رخنه گری در چین باز دارند. داعش تا امپریالیسم زده است زده می ماند. تروریسم همیشه متحد امپریالیسم است.

آزادی های بی قید و شرط ...

و صهیونیستها بزرگترین تروریستهای دولتی بوده که در پی تشویق فاشیسم و ژاپرستی می باشند: "آموزگار بزرگ پروتلاریا گفته است: "دیشه های حاکم بر جامعه سرمایه داری، دیشه های هیئت حاکمه است" و به این جهت خودفروبی است اگر کتباتی تصور کنند در پای امپریالیسم که مظهر اصصارات اقتصادی

و ظامی و سیاسی است، برای "آزادی تفکر و بیان" استثناء قابل شده اند.

تاریخ بشریت شان داده است که مقوله ای بنام "آزادی بی قید و شرط بیان" و "آزادی های بی قید و شرط دموکراتیک" وجود داشته باشد. این نوع آزادیها آگاهانه از سوی دغلكاران امپریالیستها و جیره خواران فکری و مادی آنها تبلیغ می شود و دامی است در جهت ترویج توهم و خرافات اجتماعی برای توده های مردمی که علی القاعده هوادار آزادی و دموکراسی اند. بدون آنکه به تاکید ادرست و توهم آور "بی قید و شرط" عمیقا بیادیشند. چنین آزادیهایی هیچوقت وجود داشته و در آینده یز وجود خواهد داشت. فقط ریاکاران تلاش می کنند مضمون طبقاتی دموکراسی و آزادی را از آن سلب کنند تا از آن ابزاری بسازند که دلخواهی آنها را مناسب و مطابق میل لحظه ای خویش بکار گیرند. خود بورژوازی برای آزادی مرزی کشیده است و می گوید آزادی هر کس تا مرزی است که به آزادی دیگران صدمه نرساند. پس اگر آزادی مرز دارد و حد آن را قانون تعیین کرده است، چرا آزادی بیان باید بی حد و مرز باشد؟ روشن است که با استناد به آزادی بیان می شود به کسی توهین کرد بویژه آنکه این توهین توهینی به مقدسات ۱/۲ میلیارد مردم جهان باشد و هدفی هم جز توهین داشته باشد. اگر توهین به مقدسات ادیان آزاد است، توهین به چیز باید آزاد باشد؟ و اساسا چه چیز توهین تلقی می شود؟ وقت "اصل آزادی بیان" به "اصل توهین آزادی" بدل می گردد. اگر به مجد می شود توهین کرد چرا باید به تآباهو توهین کرد که دستش به خون هزاران فرآورده است؟ ولی توهین به تآباهو به عنوان رئیس یک دولت خارجی جرم دارد و بدتر از همه فوراً مهر "یهودی سنیزی" می خورد. پلیس آلمان در هنگام برگزاری مایشات اعتراضی بر ضد شاه در آلمان از شعار "سنگون باد رژیم مجد رضا شاه" و یا "مرگ بر شاه" جلوگیری می کرد و آنها را مشمول اصل آزادی بیان می دانست، ولی شعار "شاه قاتل است" ممنوع بود و اتهام و توهین محسوب می شد و می شد با استناد به اصل آزادی بیان شاه را قاتل معرفی کرد. پس بورژوازی امپریالیستی هرگز مدعی نیست که آزادی بیان بی قید و شرط است. ولی چرا همین بورژوازی امپریالیستی به همین اصل اخیر وفادار می ماند و هر روز بوقلمون صفت بر اساس مصالح سیاسی روز بیک رنگ در می آید، آیا امیالش سیاسی نیست؟ طبیعتا هست. اگر توهین به مجد آزاد است چرا باید آتش زدن و آلوده کردن پرچمهای هلال احمر و صلیب مسیحی که هر دو سمبلهای مذهبی هستند آزاد باشد؟ چرا باید آتش زدن قرآن آزاد باشد، این مرز را چه کسی تعیین می کند؟ آقای تآباهو و یا فرانسویس اولاد و یا سازمان "سیا"ی آقای اوباما؟

گفته می شود ما از آزادی بیان دفاع می کنیم. آیا می توان این دروغ را توسط همه آن دولتهائی که آزادی را به خون کشیده اند پذیرفت؟ آیا همین بازیگری آنها در پاریس خود کاریکاتور نیست؟ آیا هر چیز در طنز آزاد است؟ آیا افسانه آزادی بی قید و شرط و آزادی اب که برای همه صادق باشد وجود دارد؟ هرگز! تبلیغ آزادی بی قید و شرط، ابزار عوامفریبی طبقات حاکمه است. زبانی که شما از عرصه برخورد فرهنگی منتقدانه، معنوی و روشنگرانه به هدف ارشادی خارج شوید و به اعلان جنگ بپردازید، تصویر یهودیان را به صورت حشرات موذی بکشید، اسلاوها را سبایهای پست جلوه دهید و با کاریکاتور همه را فرا بخوانید که به ژاد برتر تمکین کنند، طبیعتا مبلغ ژاپرستی هستند و مایند صمیمی دفاع از "آزادی بیان". وقت شما "آزادی بیان" سیاست مسلط را از آن جهت تبلیغ می کنید تا سیاست طبقات حاکمه و سیاست عمومی امپریالیسم را

جا بیادازید. این طنز ضد یهود که هیئتار مذ کرده بود و در زمان تسلط ازی ها در آلمان رواج داشت، دارای ماهیت ضد سبایی، تحریک به قتل و آشوب بوده و هرگز نقش روشنگرانه و منتقدانه و ارشادی داشت و هرگز نمی خواست مشکلی را در جامعه بشری برای دفع قیود خرافات و آسایش و آگاهی مردم حل کند. ولی آیا چنین طنزی به مفهومی "آزادی بیان" است؟ طنزی که نقش منتقد، چالش گر، ارشادی و روشنگرانه داشته، ولی در عوض مملو از تحقیر سایر سبایها بوده و به آشوب و قتل و توهین و تحقیر فرا بخواند، دیگر طنز نیست، فراخواندن به قضا همه ارزشهای سبایی است. توهین به مقدسات دیگران است که حتی می تواند از



منظری مضحک و خنده دار یز به نظر آید. آزادی بیان عقیده باید به مردم یاری رساند تا مطلع شود، به ظارت بر کار دولت بپردازد، کمبودها و تنگناها را به اطلاع مردم برساند و افسانه گری مایند تا جامعه با چشم باز بتواند با اراده آزاد تصمیم بگیرد. آزادی بیان آزادی توهین و دروغگویی مستمر نیست. حال گاهی به کاریکاتورهای زمان هیئتار بر ضد بلشویسم و یهودیان بیفکنند.



در این کاریکاتورهای زشت نازی ها، یهودی به عنوان جهانخوار، رباخوار به منزله حشره موذی نشان داده می شود

آیا مرزی میان توهین و فحاشی و دروغگویی و پخش اکاذیب در زیر لوای حمایت آزادی بیان وجود دارد؟ و آیا می شود هر ادعا و یاهو گوئی را در چارچوب "آزادی بیان" به زور جا داد؟ آیا آزادی بیان بی در پیکر است؟ و اگر بی در پیکر است آیا برای همه بی در پیکر است و یا تنها برای از ما بهتران دژ و بارو دارد؟ آیا در مبارزه با "مقدسات" میلیاردها مردم جهان می توان بی مسئولیت و مودبانه و گزینشی برخورد کرد و "اتحاد مقدس" ضد مسلمانان برپا نمود. بنظر ما دقیقاً همینطور است. می شود تصویر حضرت عیسی را کشید و وی را زاده و مریم مقدس را روسپی معرفی کرد؟ می شود تصویر موسی را به صورت ساحر کشید که مارش را عصا می کند و یا به صورت یک تاجر یهودی رباخوار بر روی اجساد بدهکاران راه می رود؟ آیا ترسیم چنین کاریکاتورهای ماهیت نقاد و افسانگرانه داشته و به رفع خرافات کمک می کند و یا برعکس مومنان و معتقدان را به مقابله بر می انگیزد؟ و جبهه گیری سیاسی را به جبهه گیری مذهبی تبدیل می کند؟ تاریخ مملو از این نوع ... ادامه در صفحه ۶

تجاوزگران استعمارگر، باید خاک عراق و افغانستان را بی قید و شرط ترک کنند. صهیونیسم دشمن بشریت و قاتل ملت فلسطین است

مبدأ و مقصد معامله به جای دلار و یورو مبنای قرار می گیرد؛ به این صورت که بانک های مرکزی کشورهای معامله کننده، مثلا ژاپن و کره جنوبی هر یک حساب بانکی مخصوص برای کشور مورد معامله می گشایند و تسهیلات بانکی برای تجار در پرداخت ارز بوجود می آورند.

"پیمان پولی دو جانبه" (Currency Swap Agreement) (به شرح جدول در پایان مقاله که تاکنون منعقد شده است مراجعه نمایید).

اقدام قاطعانه چین و روسیه در همین راستا مبین این است که در دراز مدت از نقش و تأثیر دلار، به مثابه ذخیره ارزی برتر جهان، بکاهند. آنها در پی بوجود آوردن "سوئیفت" (SWIFT-Society for worldwide interbank financial Telecommunication) هستند. "ارتباط جهانی بین بانکی" که از ماه مه ۱۹۷۳ توسط ۲۳۹ بانک از پانزده کشور اروپایی و آمریکای شمالی دایر شد، در حال حاضر بیش از ۷۰۰۰ مؤسسه در ۱۹۷ کشور جهان عضو (SWIFT) هستند که از طریق این مرکز در بلژیک هزاران مؤسسه مالی جهان روزانه بلیون ها دلار جابجا می کنند. اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۸۹ به (SWIFT) پیوست و پس از فروپاشی آن، روسیه تا سال ۲۰۱۳ در آن باقی ماند که در پی ماجرای جاسوسی وسیع NSA (سازمان جاسوسی آمریکا) در همه عرصه ها از جمله در مبادلات ارزی (SWIFT) برملا گشت که چگونه آمریکا قادر است اقتصاد کشورها را تحت کنترل خود درآورد و در صورت تحریم کشوری، حتی حساب شخصی افراد را مسدود سازد و حتی کشورها و یا شرکت هائی را که بدون توجه به تحریمها با کشور تحت تحریم معامله می کنند، به جرایم مالی محکوم کند.

تنها مساله جاسوسی NSA در نظام بانکی مبادلات جهانی (SWIFT) نبود که کاسه صبر روسیه و چین را لبریز کرد، بلکه در سال ۲۰۱۴ انگلستان به خاطر مساله اوکراین خواستار اخراج روسیه از نظام (SWIFT) شد. پس از آن بود که روسیه و چین اعلام کردند که تا ماه مه ۲۰۱۵ (SWIFT) جداگانه ای را سازمان خواهند داد. روسیه حتی قبل از رسیدن تاریخ فوق الذکر اعلام کرد که تاکنون ۹۱ جابجائی مالی از ۶۰۰ معامله مؤسسات مالی را با نظام "SWIFT زینوروسی" انجام داده است. اخیرا Russia today اعلام کرد که چین و روسیه آخر اکتبر ۲۰۱۴ با حذف دلار از مبادلات تجاری خود (SWAP) (معامله پایابای ارزی دو کشور مورد معامله) ارزی را بین خود آغاز کرده اند. این توافق امکان تبادل کالا به ارزش ۲۵ میلیارد دلار در سال میان دو کشور را به آنها می دهد. با اتخاذ این تصمیم تأثیر دلار در بازرگانی خارجی بین دو کشور به حداقل ممکن کاهش می یابد. چین قرارداد مشابهی با مالزی و نیوزلند منعقد ساخته است. هم اکنون (SWAP) یوان چین با ۱۱ ارز رایج کشورهای دیگر در بازار های جهانی مبادلات تجاری انجام می دهد. "جو انگ" تحلیل گر ارشد ارز چین اظهار داشته است: چین هم چنین خط (SWAP) ارزی را با بیش از ۲۰ کشور از سال ۲۰۰۹ تاکنون که شامل کشورهای سوئیس، برزیل، هنگ کنگ، اندونزی، کره جنوبی می شود، منعقد کرده است. چین حتی با قطر که به نظام "پترو دلار" وصل است و به آمریکا عملا وابسته است، قرارداد ۵/۷ میلیارد دلاری منعقد کرده است. یعنی یوان جای دلار را در مناسبات تجاری دو کشور گرفته است. پیش بینی می شود که مناسبات تجاری دو کشور از این طریق ۲ تا ۳ برابر افزایش یابد. حجم آن را ۲۰۰ (Wahcta Market) میلیارد یوان تخمین زده است. ... ادامه در صفحه ۷

بیش از ۱۰۰ در صد تولید ناخالص ملی اش بدهکار است و علیرغم این برای پر کردن خود کماکان مشغول چاپ دلار و اوراق قرضه است. بودجه نظامی این کشور ۴۰ در صد هزینه نظامی کل جهان است. این رقم معادل بودجه نظامی ۲۰ کشور جهان در جدول رده بندی بعد از آمریکا است. هزینه پروژه جنگنده های اف ۳۵، هزینه جنگها و حضور نظامی آمریکا در اقصی نقاط جهان چگونه و از کدام منبع تأمین می شوند؟ آیا غیر از این است که از مزیت دلار به مثابه ارز مبادلاتی بهره می برد؟

بحران مالی بانکهای آمریکا از سال ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۰ قریب به ۱۶۰۰ میلیارد دلار برای دولت این کشور خرج برداشت که با چاپ بی رویه دلار آن را تأمین کرد. در واقع آمریکا علیرغم وجود بحران های دهه های اخیر با چاپ بی رویه این کاغذ سبز بی اعتبار به خرید کالای جهانی مبادرت ورزیده است. این رمز طبقه حاکمه آمریکاست. این پدیده در مورد انرژی فسیلی به صورت "پترو دلار" خودنمایی می کند. به سخن دیگر کشورهای صادر کننده نفت این طلای سیاه را در ازاء ورق پاره ای بی پشتوانه در اختیار این کشور قرار می دهند. با توجه به موقعیت توری دلار، باید گفت که ارزش ذخایر ارزی دلار بسیاری از کشورها کاسته می شود. این برتری طلبی و نقشی بیمارگونه و در عین حال سود جویانه دلار است که طرح ایجاد نظام پولی جایگزین دلار را برای سایر کشورها الزام آور کرده است. برای اولین بار در سال ۱۹۵۰ "اتحادیه پرداخت های اروپایی" (European Payment Union) توسط کشورهای اروپای غربی تأسیس شد تا در تجارت میان کشورهای خود به جای دلار از ارزهای اروپایی استفاده شود. در "اتحادیه اروپا" پس از سالها بحث تشکیل بانک مرکزی اروپا که در سال ۱۹۹۲ پی ریزی شد، بالاخره در سال ۱۹۹۸ "بانک مرکزی اروپا" به شکل کنونی تأسیس شد و متعاقب آن ۱۹۹۹ یورو به مثابه پول واحد اتحادیه اروپا معین شد. از آن زمان تاکنون یورو و بانک مرکزی اروپا ۳۰ در صد از ذخایر خارجی را به خود اختصاص داده است. پول مشترک اروپا با این امید ایجاد شد که ارز جهانروای دیگری جای دلار را به گیرد. بنیان گذاران یورو آرزوی از بین بردن سرکردگی مطلق دلار در تجارت جهانی را در سر می پروراندند. بانک مرکزی اروپا در عمل پا جای پای "فدرال رزو" آمریکا گذارد و با همان روش به چاپ بی رویه ی یورو پرداخت و در عمل سرنوشت این پول را با خطر جدی مواجه ساخته است.

با توجه به این واقعیت که کوشش در جهت ایجاد نظام مالی دیگر، نه تنها مشروعیت پیدا کرده، بلکه الزام آور و در عین حال در خور تحسین است؛ بسیاری از کشورها از جمله چین که دارای ذخایر عظیم ارزی دلار هستند و اوراق قرضه دولت آمریکا را خریده اند، بیم آن دارند که با ورشکستگی یکباره دلار دارائی های آنها یکتبیه دود شود و به هوا رود! اما همه کشورها، از جمله چین، به این امر واقف اند که علیرغم ضرورت ایجاد نظام مالی فراجاهانی، این امر یک شبه امکان پذیر نمی باشد. از اینرو برای فروپاشی تدریجی "امپراطوری دلار" می بایست برنامه دراز مدت طرح ریخت. در پی بحران مالی ۲۰۰۸ در سطح جهان بسیاری از کشورها در پرداخت ارز مبادلاتی در تجارت بین المللی تجدید نظر کردند. کمتر ملاقاتی بین سران جهان انجام می شود که در آن مساله "دلار زدائی" در عرصه مبادلات تجارت جهانی مورد بحث و تبادل نظر قرار نگیرد. برخی از این کشورها به جای یورو و دلار در مبادلات بین المللی روش جدیدی را تحت نام "پیمان پولی دو جانبه" (Currency Swap Agreement) برگزینند که مطابق آن ارز کشورهای

آزادی های بی قید و شرط...

برخورد اشتباه به دین برای نابودی نقش دین است. دلش ننیز واضح است، زیرا ریشه دین در نادانی و جهل عمومی است، و علیرغم پیشرفت عظیم دانش و فناوری و پاسخگونی به بسیاری از مجهولات جهان مادی، به علت انحصار دانش در دست طبقات حاکمه و رواج جهل در سطح وسیع جامعه، این جهالت و تاریک اندیشی و ابهت مجهولات، چون بهمنی عظیم به یاری ادیان آمده و آنها را در مغزهای مردم تحت فشار و بی پناه تقویت می کنند. با مذهب نمی شود صرفا ذهنیگراییانه برخورد کرد و پایه های مادی پیدایش و رفع آنها را ننید. همین حکومتهای اروپایی در رسانه های گروهی خود به جای تکیه بر دستاوردهای علوم و مبارزه مثبت با دین و ارتقاء سطح



دانش عمومی مردم، برنامه های مذهبی می گذارند و فیلمهای مذهبی نمایش می دهند، از معجزات پیامبران، انهم عیسی و موسی از "بن هور" و "اده فرمان" سخن می رانند، کار آنها شستشوی مغزی مردم و پخش دروغ و مسایل ضد علمی است. در مورد ادیان مسیحی و یهودی خرافات و دروغ، بار مردم می کنند. آیا این هم "آزادی بیان" است و یا آزادی در شستشوی افکار و تزریق خرافات و موهومات.

بیاد بیابوریم که در انتهای هر سال در تعطیلات ایام تولد مسیح چه برنامه های مذهبی و خرافاتی ای در رسانه های گروهی تحویل مردم داده می شد. و آنوقت در مورد واکنش مسلمانان به کاریکاتور محمد در پاریس و یا دامنارک خود را برآشفته نشان می دهند و امری را که محصول سیاستهای طولانی خود آنهاست ابزاری می کنند تا ملت های دیگر را تحقیر کنند. طبیعتا این چنین طنزی ربطی به "آزادی بیان" که همواره طبقاتی است و طبقاتی نیز می ماند ندارد.

نظام مالی جهانی امپریالیستی..

تجارت جهان - این امکان را در عین حال به آمریکا می دهد که با چاپ دلار بی شمار و خرید کالا از کشورهای دیگر بیش از مقدار تولید اقتصاد خود و بیش از مقداری که صادر می کند، کالا وارد کند. به این ترتیب از سال ۱۹۷۱ تاکنون کسری تراز تجاری این کشور به ۸ تریلیون دلار رسیده است. این نکته مهم را نیز باید افزود که در سال ۱۹۷۱ دولت آمریکا خودسرانه برابری هر ۳۵ دلار با یک اونس طلا را ملغی اعلام کرد و در واقع دلارهای شناور در سطح جهان از پشتوانه طلا ساقط کرد. علاوه بر این دولت آمریکا جهت تأمین کسر بودجه خود پیوسته با چاپ اوراق قرضه و فروش آنها، دلارهای مازاد بر تقاضای مبادلاتی کشورها را جمع آوری می کند. امروز همه انگشت اشاره شان را به سوی کشورهای بحران زده اقتصادی یونان، اسپانیا، پرتغال، قبرس، ایرلند به دلیل حجم بدهی های دولتی شان نشانه می گیرند، ولی این واقعیت را در بوق کرنا نمی دمند که دولت آمریکا امروز ۱۶ تریلیون دلار یعنی

حاکمیت روزیو نیشم، دیکتاتوری بورژوائی است و نه دیکتاتوری پروتاریا

آمریکایی که آنرا بدون حساب بالا می کشند در آورد. و به بازار تجارت پایاپای که ضربه مرگ بر ای امریکاست، ببینند.

سیاسگزاری از کمکهای مالی

رفیق H. F. مبلغ ۱۵۰ یورو
رفیق غزاله از استرالیا معادل ۵۰ یورو
رفیق ر. از فرانسه ۵۰ یورو
رفیق کارگر از اتریش ۱۰۰ یورو
ارسال کرده اند.

- دوم این که با جایگزینی روبل و یوان به جای دلار، آمریکا متضرر می شود.
مضافا این که در سالهای اخیر بسیاری از کشورها با انعقاد قراردادهای دو جانبه نقش دلار را در تجارت خارجی خود کم رنگ تر کرده اند. منتهاست که چین و روسیه اکثر معاملات خود را با روبل و یوان انجام می دهند. ترکیه نیز به روسیه پیشنهاد داده که از روبل و لیره به جای دلار استفاده شود.
این منطق اقتصادی حکم می کند که ایران که قربانی زورگرئی و تحریمهای غیر قانونی آمریکا بوده است فوراً دهانه اقتصاد خویش را از دست دلارهای

نظام مالی جهانی امپریالیستی...
از جانب دیگر روسیه گرچه مطابق قرارداد (SWAP) ۲۵ میلیارد دلار در سال با چین مبادلات مالی دارد، اخیرا به انعقاد یک قرارداد فروش گاز به چین که بهای نفتی (OIL PRICE) آن را ۴۰۰ میلیارد دلار تخمین زده است، اقدام نموده است که طبیعتا از طریق (SWAP) ارزی معامله خواهد شد. این اقدام از دو جهت حائز اهمیت است.
- یکم این که روسیه از وابستگی به فروش گاز به اروپا تا حدودی وای می رهد.

چین با:		کره جنوبی با:		
مالزی	پاکستان	نیوزلند	اتحادیه اروپا	استرالیا
کره جنوبی	قزاقستان	ازبکستان	اتحادیه اروپا	مالزی
کانادا	مغولستان	برزیل	ژاپن	امارات
قطر	اندونزی	مجارستان	هند	اندونزی
سريلانكا	ایسلند	آلبانی	تابوان	پاکستان
سوئیس	آرژانتین	انگلستان	هنگ کنگ	
ترکیه	بلاروس	استرالیا	اوکراین	
اوروگوئه	سنگاپور	امارات		

(مقالات توفان الکترونیکی شماره ۱۱۰ شهریور ۱۳۹۴ منتشر شد آنرا در تارنمای توفان مطالعه نمایند)

در این شماره می خوانید:

یاد داشتهایی در مورد وضعیت کارگران در ایران

به مناسبت بیست و هفتمین سالگرد قتل عام زندانیان سیاسی در تابستان و شهریور ۲۷

چرا کمونیستها مبلغ مقاومت اند؟

به مناسبت هفتادمین سالگرد بمباران هیروشیما و ناکازاکی

و ارونه کردن تاریخ و تیرنه رژیم پهلوی

به مناسبت شصت و دومین سالگرد کودتای ننگین ۲۸ مرداد ۳۲

سخنی در مورد مفهوم صهیونیسم و تفاوتش با یهودی ستیزی

مصاحبه با دکتر ناصر زرافشان در مورد توافقنامه وین، تبعات اقتصادی آن و اوضاع کنونی

یادی از رفیق مسعود نعمت الهی (سعید) عضو کمیته مرکزی

گشت و گذاری در فیسبوک

پرسش و پاسخ

توفان الکترونیک

شماره ۱۱۰ شهریور ماه ۱۳۹۴ سپتامبر ۲۰۱۵

نشریه الکترونیکی حزب کار ایران

www.toufan.org

toufan@toufan.org

<http://toufan.org/ketabkane.htm>

سایت کتابخانه اینترنتی توفان

http://toufan.org/nashrie_tofan%20archive.htm

سایت آرشیو نشریات توفان

<https://twitter.com/toufanhezbakar>

توفان در توئیتر

<https://www.facebook.com/toufan.hezbekar>

توفان در فیسبوک

وحدت، سرچشمه نیرو، و نیرو، ضامن پیروزیست

نظام مالی جهانی امپریالیستی غربی در حال فروپاشی (۵)

جنگ ویتنام و بی ارزشی دلار

تجاوز آمریکا به کره و سپس به هندوچین کمر اقتصاد آمریکا را شکست. کارخانه های تسلیحاتی امپریالیسم آمریکا میلیاردها دلار دریافت می کردند و در ازای آن سلاحهای تولید کرده که به بازار نیامده در میدانهای جنگ دود ده و به هوا می رفتند. میلیاردها دلار مخارج عظیم تسلیحاتی و ارتش نظامی آمریکا بود که بدون شک در تولید، به عنوان مفتخور حقوقهای گزاف می گرفتند و به تورم یاری می رساندند. این وضعیت رابطه علمی اقتصادی میان کالاهای تولید ده و پول (دلار) هزینه ده برای آنها را بر هم می زد. در بازار کالای تولید ده کمتر از پول در گردش بود و این به گرانی کالا منجر می شد. کالاهایی تولید می شدند که به بازار برای مصرف عمومی نمی آمدند، بلکه آنها فوراً آتش می زدند و به این ترتیب دلارهایی که برای ارزش این کالاها پرداخت می شد، به بازار سرازیر گشته بدون آنکه معادل آن کالایی در بازار وجود داشته باشد. حجم دلار افزوده می شد و ارزش آن کاهش می یافت. ولی مطابق قرارداد "برتن وودز" آمریکا موظف بود دلار را با طلا معاوضه کند. چنانچه طلبکاران و مردم آمریکا برای این تعویض دلار با طلا به بانکهای آمریکایی مراجعه می کردند می دیدند که ذخیره طلای کافی در کار نیست تا به آنها پرداخت شود. نظام مالی جهانی برهم ریخته بود و دلار بی ارزش در جهان چون بچی سرگردان بود. امپریالیسم آمریکا با قدری و تبلیغات و استثنای مغزی و دروغگوئی با دستور نیکسون رئیس جمهور وقت آمریکا، برخلاف توافقنامه های بین المللی پشتوانه طلای دلار را از دلار جدا اعلام کرد و از این ببعد دلار را نمی شد با طلا در بانکهای آمریکا مبادله کرد و آنطور که ادعا کردند دلار به صورت ناور در آمد و در بازار ارزش مبادلاتی اش تعیین شد. میلیاردها مردم و ممالکی که ذخایر دلار داشتند یکشبه به بحران دچار شدند و فقیر گشتند. امپریالیسم آمریکا بی ارزشی دلار خود را به دوش مردم جهان منتقل کرد و همه آنها را در خسارت نالی از جنگهای تجاوزکارانه کره و هندوچین بطور کلی سهیم گردانید. دلارهای انبار شده به عنوان ذخایر کشورهای برای مبادلات ارزی و تجارت جهانی، بیکباره ارزش خود را از دست دادند. امپریالیسم آمریکا به حساب دیگران برای سرمایه داری خودش "رفاه" و "آسایش" به ارمغان آورد. این وضعیت آغاز تولد یورو نیز بود، این وضعیت به آنجا منجر شد که عراق و لیبی و ایران با توجه به این خطر، بخشی از نفت خود را نه به دلار، بلکه به یورو بفروشد و مرکز ثقل ذخایر ارزی خویش را از روی دلار بردارند که کمتر ضربه پذیر باشد. این وضعیت بویژه در رابطه کنونی که کنترل تجارت ارزی و مبادلات بین المللی ممالک عراق، لیبی، ایران، سوریه و اخیراً روسیه نشان داد، لزوم یک رقیب برای یک ارز معادل جهانی را که دیگر به ابزاری برای استعمار و زورگوئی بدل شده بود الزام آور می گردانید.

دلار به مثابه ارز مبادلات تجارت جهانی

در طی حیات سازمان تجارت جهانی، حجم تجارت جهانی ۳۴۵ برابر شده است و به همین نسبت تقاضای مبادلاتی دلار افزایش یافته است به نحوی که آمریکا روزانه مشغول چاپ دلار است.

تقاضای روزافزون دلار - به مثابه ارز مبادلات ... ادامه در صفحه ۶

Workers of all countries, unite!

Toufan

توفان

Central Organ of the Party
of Labour of Iran

No. 186 Sept. 2015

مستخرج از جزوه "توهین به مقدسات ادیان،
و برخورد حزب کار ایران (توفان) به آن"

آزادی های بی قید و شرط و مرز

آزادی بورژوازی

سندی را که در زیر مشاهده می کنید،
مستخرج از جزوه "توهین به مقدسات
ادیان، و برخورد حزب کار ایران (توفان)
به آن" می باشد. این سند را حزب کار
ایران (توفان) در برخورد به ماجرای
ترور نویسندگان و کاریکاتوریستهای
"آرلی ابدو" در وقت خود منتشر کرده
است. در این جزوه در عین افشاء تناقض
گوئیها و دوگانگی اخلاقی امپریالیستها،
برخورد صحیح کمونیستها را به مسئله
دین بازگو نموده و نشان داده است که
اسلام سنیزی امپریالیسم و صهیونیسم نه
ماهیت مبارزه علیه خرافات و نادانی و نه
جنبه مبارزه با تروریسم را دارد. خود
امپریالیستها... ادامه در صفحه ۵

www.toufan.org

صفحه توفان در بکه جهانی اینترنت.

toufan@toufan.org

نشانی پست الکترونیکی

سخنی با خوانندگان: نشریه ای که در دست دارید زبان مارکسیست لنینیستهای ایران است. "توفان" نشریه "حزب کار ایران" حزب واحد طبقه کارگر ایران است. این زبان برای هرچه رساتر شدن به یاری همه کمونیستهای صدیق، چه از نظر مادی و چه معنوی نیاز دارد. نظریات و پیشنهادات خود را برای ما ارسال دارید. ما را در جمع آوری اخبار، اسناد و اطلاعات از ایران و جهان یاری رسانید و از تشکیل نهضت کمونیستی حمایت کنید. به ما کمک مالی برسانید، زیرا ما تنها با اتکاء بر نیروی خود پابرجانیم و به این مساعدت ها، هر چند هم که جزئی باشند نیازمندیم. در توزیع این نشریه ما را یاری رسانید، هزینه گزاف پستی مانع از آن است که بتوانیم آن را بدست همگان برسانیم.

Toufan حساب بانکی
Postbank Hamburg
BLZ: 20110022
KontoNr.: 2573302600
Germany

آدرس
Toufan
Postfach 103825
60108 Frankfurt
Germany